

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

بلایی که تفاهم نامه بر سر اهرم فشار ایران آورد

آمریکا در حالی عملیات تشدید فشار اقتصادی و افزایش تحریم‌ها علیه ایران را کلید زده است که داده‌های منتشر شده از بازار انرژی نشان می‌دهد تفاهم‌نامه اسلام‌آباد، دقیقاً نقطه عطفی بود که واشنگتن از آن برای جبران ذخایر استراتژیک خود و کاهش فشار ناشی از بحران تنگه هرمز بهره‌برداری کرد؛ به گونه‌ای که سرعت آزادسازی ذخایر نفتی آمریکا از ۱۰ به ۴ میلیون بشکه در هفته کاهش یافت و اینک، تهران با از دست دادن مهم‌ترین اهرم راهبردی خود، در برابر موج تازه‌ای از تحریم‌ها قرار گرفته و این در حالی است که هنوز برخی از مقامات ارشد کشور در دفاع و لزوم پابندی به تفاهم‌نامه سخن می‌گویند.

۲



رئیس دولت از همتی بابت مدیریت وی تقدیر کرد؛

تقدیر از دلار ۲۰۰ تومانی

۵ <



رئیس شورای اطلاع رسانی دولت سیزدهم؛

ضعیف‌نمایی مسئولان ارشد
خطای محاسباتی است

۲

صفحه ۴

اقتصادی

خاموشی در کمین تولید

طی روزهای اخیر، پتروشیمی‌های اروند به دلیل مشکلات ناشی از کمبود و قطع برق، فعالیت‌های تولیدی خود را متوقف کرده و پتروشیمی غدیر نیز به دنبال قطع برق و توقف تأمین خوراک کلر، از مدار تولید خارج شده است.

سید محمود نبویان؛

عراقچی مقدمات اجماع جهانی
علیه ایران را فراهم کرد

۲



صفحه ۶

بین الملل

مذاکره کانادا آمریکا یا پیمان چپاول؟

جنگ ۴۰ روزه و فشارهای پس از آن، قدرت واقعی آمریکا را به چالش کشید و برخلاف محاسبات واشنگتن به پیروزی این کشور منجر نشد. اکنون کانادا نیز دریافته است که مذاکره از نگاه ترامپ بیشتر به معنای تحمیل خواسته‌های آمریکا است تا بده و بستان.

سلاح ایرانی؛ تفاوت

شهریور ۱۴۰۵ با شهریور ۱۳۲۰

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

هشتاد و پنج سال پیش، در شهریور ۱۳۲۰، ایران با اشغال متفقین، فروپاشی اقتدار نظامی، تحقیر حاکمیت و در نهایت تبعید رضاشاه مواجه شد؛ بحرانی که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن، از جمله قحطی و مرگ شمار زیادی از ایرانیان، تا سال‌ها ادامه یافت. با این حال، هنوز سلطنت‌طلبان، آن دوره را با عنوان «دوران درخشان» تبلیغ می‌کنند؛ دورانی که حتی ارتش پرمطراق رضاخانی نتوانست یک روز در برابر نیروهای خارجی مقاومت مؤثری نشان دهد.

متن کامل در صفحه ۷

تفاهم‌نامه اسلام آباد وکاهش شدید قیمت جهانی نفت چگونه ایران را در برابر تحریم های جدید آمریکا خلع سلاح کرد

بلایی که تفاهم نامه بر سر اهرم فشار ایران آورد

سرعت آزادسازی ذخایر نفتی آمریکا از ۱۰ به ۴ میلیون بشکه در هفته کاهش یافت و اینک، تهران با از دست دادن مهم ترین اهرم راهبردی خود، در برابر موج تازه‌ای از تحریم‌ها قرار گرفته و این درحالی است که هنوز برخی از مقامات ارشد کشور در دفاع و لزوم پایبندی به تفاهم‌نامه سخن می‌گویند.



نفتی از مسیر عمان و همچنین کاهش سرعت آزادسازی ذخایر نفتی آمریکا از ۱۰ به ۴ میلیون بشکه در هفته بعد از تفاهم‌نامه حاکی از این است که تفاهم‌نامه اسلام دقیقاً بر ضد منافع ملی مردم کشورمان تمام شد و این در حالی است که هنوز برخی از مقامات ارشد کشور بردفاع از آن و لزوم پایبندی به تفاهم‌نامه سخن می‌گویند و در همین حین شاهد تشدید تحریم های آمریکا هستیم.

با این حال طبق آخرین بررسی شبکه کانون‌های تفکر ایران (ایتان)، تا ۳ شهریور (۲۵ اوت)، آمریکا مجبور به تزریق ۱۲۶ میلیون بشکه نفت به بازار انرژی شده است. و در صورت ادامه یافتن انسداد کامل تنگه هرمز (مسیر عمان) و بازگشت نرخ برداشت به ۱۰ میلیون بشکه در هفته، ذخایر آمریکا ظرف ۳ تا ۴ هفته (پایان شهریور) به حداقل آستانه موجودی خواهد رسید.

بنابراین با توجه به شواهد و داده‌های منتشرشده؛ تفاهم‌نامه اسلام که به نوعی مصالحه و سازش با آمریکا تلقی می‌شود منجر به تنفس و فرصت بازسازی تبعات اقتصادی انسداد تنگه هرمز از سوی آمریکا شد و آمریکا با دریافت این امتیاز راهبردی از سوی ایران نه تنها به تعهدات خود و رفع تحریم ها عمل نکرد بلکه با تشدید تحریم ها پاسخ ضعف و کوتاه آمدن کشورمان را داد و در نتیجه مهم ترین اهرم راهبردی ایران یعنی تنگه هرمز خنثی شد.

زیرساخت های کشورهای همسایه حمله کند و باعث بحران جهانی نفت شود.» در پی انسداد تنگه هرمز و اختلال در بازار نفت که از هفته نخست جنگ آغاز شد، قیمت نفت فیزیکی به سطح ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسید. ایالات متحده در واکنش به این افزایش قیمت، بسته‌ای از اقدامات کنترلی را به اجرا گذاشت تا اعتماد بازارهای جهانی را نسبت به توان مدیریت خود بر این بحران جلب کند. ذخایر استراتژیک نفتی آمریکا که در جنگ روسیه و اوکراین به نصف رسیده بود با شروع جنگ رمضان به سرعت تخلیه شده و بنا بر گزارش اندیشکده ایتان با شروع ماه دوم جنگ، سرعت آزادسازی ذخایر نفتی آمریکا به ۱۰ میلیون بشکه در هفته رسید. این درحالی است که بنا بر همین گزارش آزادسازی ذخایر نفتی آمریکا پس از تفاهم نامه و بازگشایی موقت تنگه هرمز در ماه اخیر، نرخ میانگین به ۴ میلیون بشکه در هفته رسیده است.

طبق گزارشی تانکرترکرز که روز گذشته منتشر شد در دریای عمان دست‌کم ۱۵ عملیات انتقال کشتی به کشتی در حال انجام است و حجم نفت خام درگیر این عملیات حدود ۲۵ میلیون بشکه و مقداری فرآورده نفتی است.

علاوه بر این طبق گزارش رویترز، روز سه‌شنبه دو نفتکش حامل گاز مایع نفتی (LPG) و یک نفتکش حامل قیر از تنگه خارج شدند. دو نفتکش خالی حمل فرآورده‌های نفتی وارد تنگه شدند. این بدان معناست که تردد کشتی‌های

امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

روز دوشنبه ۲ شهریور اسکات پیسنت وزیر خزانه داری آمریکا با اعلام اعمال فشار حداکثری و تحریم‌های جدید دولت تروریستی آمریکا علیه کشورمان، مدعی شد: «از امروز، فشار را تشدید می‌کنیم و هر منبع درآمد احتمالی را که سپاه پاسداران و حکومت ایران را تأمین مالی می‌کند، مسدود خواهیم کرد و سیاستی را اجرامی‌کنیم که هدف آن جلوگیری کامل از هرگونه دور زدن محدودیت‌ها و نشد درآمد به ایران است؛ امروز وزارت خزانه‌داری آمریکا عملیات «طرد اقتصادی» را آغاز کرده است»

تشدید فشارهای اقتصادی و ایجاد تحریم‌های جدید از سوی دشمن آمریکایی درحالی صورت می‌پذیرد که ایران به واسطه تفاهم‌نامه نقض شده اسلام آباد مهم ترین ابراز راهبردی خود را از جهت تحت فشار قراردادن واشنگتن را از کار انداخته است. اهرمی که می‌توانست بر اقتصاد آمریکا فشار مضاعف وارد کند و مانعی بازدارنده برای اعمال فشار بر کشورمان و در نتیجه لغو های تحریم های ایران باشد.

ترس از بحران انرژی آنچنان برای ترامپ حیاتی است که اخیراً وزیر جنگ رژیم صهیونیستی اعتراف کرده بود: «ما بسیار تمایل داریم به زیرساخت‌های انرژی ایران حمله کنیم اما آمریکا اجازه نمی‌دهد؛ چون نگران است که ایران به

یادداشت

رفتار سرلشکر رضایی

نمادی از اقتدار بود

حمید رسایی

نائب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس

رفتار سرلشکر محسن رضایی در قبال عاصم منیر (فرمانده ارتش پاکستان) که با حفظ فاصله و بدون برداشتن قدم به سمت او ایستاده و منتظر می‌ماند تا طرف مقابل نزدیک شود، در علوم ارتباطات و زبان بدن، نمادی از اقتدار، موقعیت بالاتر و حفظ کرامت تفسیر می‌شود. این حرکت معمولاً این پیام‌ها را دارد:

ثبات و اعتماد به نفس: فردی که جلو نمی‌رود، از جایگاه خود مطمئن است و نیازی به ابراز شتابزدگی ندارد. تعیین‌کننده بودن فاصله‌ها: نشان می‌دهد که طرف مقابل باید برای ارتباط هزینه کند (قدم بردارد). احترام متقابل همراه با صلابت: بدون اینکه بی‌ادبی باشد، بر جایگاه متقابل تأکید می‌کند.

در فرهنگ نظامی و دیپلماتیک بسیاری از کشورها، این نوع رفتار نه تنها توهم‌آمیز نیست، بلکه نشانه‌ای از وقار و استحکام در مواجهه با مقامات خارجی محسوب می‌شود.

اگر بخواهیم نکته تربیتی‌اش را بگوییم: کرامت انسانی و عزت ملی، در موازنه میان تواضع و صلابت معنا پیدا می‌کند؛ نه در تحقیر دیگران، نه در خودباختگی. امیدواریم دولتمردان خصوصاً رئیس‌جمهور محترم این آداب سیاسی و دیپلماتیک توجه کنند.

خبر کوتاه

نبویان: عراقچی مقدمات اجماع جهانی علیه ایران را فراهم کرد

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس شورای اسلامی در حساب کاربری خود نوشت: وزیر خارجه کشور، بدون ملاحظات امنیتی، اسباب محکومیت و اجماع سازی علیه ملت ایران، به سبب اعمال مدیریت لازم و درست ایران در کریدور جنوبی را فراهم می‌کند؟ آقای عراقچی براساس کدام مجوز از دستور صریح مقام معظم رهبری مبنی بر انحصار مدیریت ایران بر تنگه هرمز تخلف کرده‌است؟

سرخنگوی سپاه: هرمز بدون پذیرش شروط ایران باز نمی‌شود

سرخنگوی سپاه پاسداران اعلام کرد: تنگه هرمز تحت کنترل ایران است و شناورهای جنگی دشمن دست‌کم ۴۰۰ کیلومتر از تنگه فاصله گرفته‌اند. ایران و عمان درباره سهم آب‌های تنگه و درآمدهای آن به تفاهم رسیده‌اند اما کارشنکی آمریکا روند توافق را به تاخیر انداخته؛ در صورت نپذیرفتن شروط ایران، هرمز باز نخواهد شد.

سردار شکارچی: رسانه‌های معاند در بانک اهداف نظامی ما جای می‌گیرند

سرخنگوی ارشد نیروهای مسلح اعلام کرد: شبکه‌هایی مانند «بی‌بی‌سی»، «ایران اینترنشنال» و «رادیو فردا» مستقیماً به «موساد»، «سیا» و سازمان‌های اطلاعاتی دشمن متصل هستند و از آن‌ها خط کاری و پشتیبانی دریافت می‌کنند. وی افزود: نیروهای مسلح ایران به این نگاه‌های خبرپراکنی به عنوان رسانه نگاه نمی‌کنند. سردار شکارچی تصریح کرد: هر خون‌ریزی و خشونت در عالم با پشتیبانی این شبه رسانه‌ها انجام می‌شود؛ در حالی که رسانه باید امنیت‌ساز باشد و نخستین اولویت آن، امنیت روانی مردم و جامعه بشری باشد. وی در پایان تأکید کرد: این شبه رسانه‌ها نه تنها به دنبال امنیت روانی جامعه بشری نیستند، بلکه منشأ ترویج، تبلیغ و گسترش خشونت در جهان هستند و روان بشریت را برهم ریخته‌اند. رسانه‌های معاند سربازان صهیونیست و آمریکا هستند و در بانک اهداف نظامی ما جای می‌گیرند.

گفتمان

خلجی: ضعف‌نمایی مسئولان ارشد خطای محاسباتی است

روز گذشته، سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در گفتگو با شبکه خبر با اشاره به خطای محاسباتی مسئولین و صدمات آن، اظهار داشت: خطای محاسباتی مسئولین باعث نگرانی عمومی و بی‌پناه شدن مردم می‌شود. وقتی مسئولین کشور در بالاترین سطح از توانمندی های کشور در برابر دشمن ضعف‌نمایی می‌کنند این حتما خطای محاسباتی است.

وی افزود: مردم دوست دارند مسئولین کشور را در موضع اقتدار ببینند اینجوری احساس پناه می‌کنند. خلجی با بیان اینکه کشور ضربات زیادی از خطاهای محاسباتی خورده است، تصریح کرد: فتنه ۸۸ یک خطای محاسباتی بود، اتفاقات تلخ ۹۸ ناشی از خطای محاسباتی بود، برجام نافرجام ناشی از خطای محاسباتی بود، اتفاقات ۱۸ و ۱۹ دیماه ناشی از خطای محاسباتی بود ...

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم در ادامه به نتایج خطای محاسباتی آمریکایی‌ها در حمله به ایران را اشاره کرد و اظهار داشت: از نتایج خطای محاسباتی آمریکا در حمله به ایران عیان شدن محدودیتهای قدرت آمریکا بود و همچنین ضرباتی که بر اقتصاد آمریکا تحمیل شد. وی همچنین به خطای محاسباتی آمریکایی‌ها در حمله به ایران اشاره کرد و گفت: از نتایج خطای محاسباتی آمریکا در حمله به ایران تحقیر آمریکا در منطقه و جهان بود.



بازگشت معاون معزول وزارت ارشاد به دولت



روز گذشته علیرضا عباسی نماینده مردم کرج در واکنش به انتصاب نادره رضایی به سمت مشاور مسئولیت اجتماعی معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری در حساب کاربری خود خطاب به معاون رئیس جمهور نوشت: آقای معاون رئیس جمهور! این تذهبون، توسعه روستایی و مناطق محروم را حیات خلوت فتنه گران و حامیان اغتشاش گران و محاربین نظام قرار ندهید و بگذارید این معاونت به کار اصلی که مدعی آن است بپردازد... نادره رضایی، کسی که:

از امضاکندگان نامه معروف حمایت از مجرمان سیاسی فتنه ۸۸ به اوباما از اعضای کمپین تحریم انتخابات همکار و مشاور مدیران متخلف و مفسدان اقتصادی، نظیر روسای دستگیر شده سازمان هلال احمر و ایران خودرو در دولت روحانی دارنده و حامی فیش حقوقی های نجومی در دولت های اصلاح طلب و همچنین در دولت چهاردهم (معاونت هنری سید عباس صالحی) حامی تمام قد فعالان هنجارشکن و دخالت مستقیم در برگزاری فستیوال های ضد اخلاقی نظیر دوسالانه سرمایه گری تهران حامی پست های اینستاگرامی مرتبط با کنسرت نیمه برهنه و هتاکنه پرستو احمدی کسی که وقتی صفحات مجازی ویلیست دنبال شوندگان و پسندهای او بررسی می شود، امتداد اهداف جریان معاند در حوزه ترویج برهنگی و اباحه گری در آن مشاهده می گردد کاندیدای رد صلاحیت شده در انتخابات شورای شهر تهران حامی محاربین و

اغتشاشگران دی ماه ۱۴۰۴ وی افزود: او اخیراً از سوی معاون رئیس جمهور به عنوان مشاور مسئولیت اجتماعی معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری منصوب شده است! سوالی که معاون رئیس جمهور باید بطور واضح و شفاف توضیح دهد این است که شخصی با چنین پیشینه و سوابقی چه نسبتی با پیشرفت روستایی دارد و چه دردی از روستا و مناطق محروم درمان خواهد کرد؟ زمانی که با تشکیل چنین معاونتی مخالفت می کردیم یکی از دلایلش این بود که این معاونت بی سرو صدا حیات خلوت افراد این چنینی خواهد شد. لذا همچنان بر موضع خود اصرار داریم که این معاونت مشکلی از مشکلات روستاها و مناطق محروم را مرتفع نخواهد کرد و بهتر است این مسئولیت و جایگاه به محل اصلی خود یعنی وزارت جهاد کشاورزی برگردد، موضعی که بصورت قانونی دنبال آن بوده و هستیم.

خبر کوتاه

اسماعیلی: شهید رئیسی تراز خدمت را بالا برد

روز گذشته محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت شهید رئیسی طی گفتگویی در حاشیه مراسم بزرگداشت دولتمردان شهید، با اشاره به عملکرد دولت های مختلف پس از انقلاب اسلامی اظهار کرد: اگر بخواهیم با تعبیر امام خمینی (ره) قضاوت کنیم، دولت شهید عزیزمان آیت الله رئیسی تراز خدمت را بالا برد و نشان داد که مسائل کشور با اتکا به توانمندی های داخلی قابل حل است.

وی افزود: شهید رئیسی به لبخندها و وعده های دیگران اعتنایی نداشت و به توانمندی های فرزندان ایران ایمان داشت. ایشان با تلاش، جهاد و تبعیت کامل از امام و رهبری، یک دوره مشعشع و تراز را به یادگار گذاشت. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت شهید رئیسی ادامه داد: امروز به همه همکارانی که در بخش های مختلف مشغول فعالیت هستند، ضمن عرض خسته نباشید و خداقوت، عرض می کنیم که همچون شهید رجایی، شهید باهنر و شهید رئیسی، قدرتمند در صحنه باشند و با تلاش و پشتکار به کار خود ادامه دهند.

اسماعیلی تأکید کرد: نباید فریب اغواگری ها، تهدیدات، لبخندها و اخم های دشمن را خورد. باید بدانیم که به برکت خون شهید و خون امام شهید، انقلاب اسلامی امروز سرمایه های بزرگی در اختیار دارد که به ما امکان عبور از همه مشکلات را می دهد.

وی با بیان اینکه نباید درگیر حواشی شد، گفت: نباید در چنبره مشکلات گرفتار شد و اسیر حواشی شد؛ بلکه باید با قوت، شجاعت و ایمان به وعده های الهی حرکت کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت سیزدهم خاطرنشان کرد: جمهوری اسلامی در طول این سال ها نشان داده است که مشکلات قابل حل هستند و ان شاء الله اتکا به ظرفیت های داخلی، ایمان، شجاعت و روحیه جهادی، از مشکلات پیش رو نیز عبور خواهد کرد.

رضایی: ترامپ برای کنترل نفت اخبار دروغ منتشر می کند

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس در حساب کاربری خود در ایکس نوشت: ترامپ برای احیای آبروی از دست رفته اش و کنترل قیمت نفت از گفتاردرمانی به دروغ تراپی روی آورده است. تنگه ایرانی هرمز در اختیار ایران است و هیچ نیروی نظامی در دنیا قادر به شکست اراده ایران در هرمز نیست.

انتخاب پژمانفر به ریاست کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در اجلاسیه سوم

روز گذشته حجت الاسلام نصرالله پژمانفر، نماینده مردم مشهد و کلات، با رأی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان رئیس کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی در اجلاسیه سوم انتخاب شد.

کشف ۳۸۲ قبضه انواع سلاح قاچاق

سردار منتظرالمهدی اعلام کرد: در ادامه اجرای طرح های برخورد با قاچاقچیان سلاح و مهمات غیر مجاز در دواستان کرمان و خوزستان، طی ۴۸ ساعت گذشته، تعداد ۳۸۲ قبضه انواع سلاح های جنگی (۲۰۰ قبضه) و شکاری (۱۸۲ قبضه) قاچاق، به همراه تعداد ۴۴۹۵ تیر فشنگ کشف گردید. در این رابطه، تعداد ۱۲۸ نفر قاچاقچی نیز دستگیر که پس از سیر مراحل بازجویی، در اختیار مراجع قضایی قرار خواهند گرفت.

حامیان تفاهم نامه روسای جمهور ایران و آمریکا؛ منتقدان

تفاهم نامه جنگ طلب اند!

دعوت به صلح شرافتمندانه یا مقدمه سازی برای حمله؟!

همزمان با آشکار شدن نشانه های شکست تفاهم نامه روسای جمهور ایران و آمریکا و به تعبیر معاون وزیر امور خارجه و عضو هیات مذاکره ایران، فروپاشی تمامی بندهای تفاهم نامه که صحت نظر رهبر معظم انقلاب و منتقدان مذاکره با آمریکا را به دنبال داشت، جریان غربگرا با طرح دوگانه جنگ یا تسلیم تلاش دارد تا با ایجاد فضای رعب و ترس نسبت به موضوعاتی تخریب زیر ساخت ها و... مسیر اصلاح دیپلماسی و تفاهم نامه را مسدود کند.

جعفر کاظمی

روزنامه نگار

تضعیف مولفه های قدرت

ملی و طرح دوگانه های

جعلی پیرامون توان دفاعی

و وضعیت معیشتی مرد و

تعابیری مانند اینکه مردم

گرسنه هستند پالس منفی به

آمریکایی ها فرستاد و ایرانی

ضعیف را در برابر دشمنان به

نمایش گذاشت.

احمد زید آبادی دیگه

چهره ای بود که در این

راستا تلاش کرد تا تفاهم نامه

اسلام آباد را تنها مسیر پیش

روی کشور نشان دهد.

او در این باره نوشت: جایگزین این

تفاهم نامه سه چیز است. اول، آغاز

دوباره جنگ که هزینه ها و نتایج مترتب

بر آن آشکار است. دوم، ادامه وضعیت

موجود و تداوم محاصره اقتصادی کشور

که عواقبش نیاز به توضیح ندارد. سوم،

تن دادن به فرمولی یک جانبه که به لغو

تحریم ها منجر نشود.

اکبر منتجبی مدیرکل دفتر توسعه آموزش

رسانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که

همزمان سردبیر روزنامه سازش طلب

سازندگی است، در تویییتی انتقاد برانگیز

تلاش کرد تفاهم نامه را حتی راه حل

ناترازی بنزین نیز معرفی کند. او با

اشاره به طرح های سه گانه دولت برای

حل مصرف بنزین نوشت: مدل دیگری

هم هست؛ تلاش برای اجرایی شدن

تفاهم نامه و پایان جنگ!



این نوع فضا سازی ها که برای حل امورات

جاری کشور نیز نسخه سازش و تسلیم در

برابر آمریکا را می پیچد البته بی سابقه

نیست. در دوره مذاکرات برجام نیز حسن

روحانی معتقد بود باید تحریم ها از طریق

مذاکره با آمریکا رفع شود تا مشکل آب

خوردن مردم هم حل شود.

گره زدن همه امور به مذاکره توسط

جریانی که در هر دوره از حضورشان در

دولت در ادوار مختلف، فضای جنگ و

تحریم و محاصره، کشور را در گرفته، خود

یک پالس آشکار به طرف آمریکایی مبنی

بر اثر گذار بودن تحریم ها است. این

پرسش از مدعیان غربگرا مطرح است که

چرا در هر دوره ای زمام امور به این جریان

سپرده می شود، کشور با موضوعاتی چون

تشدید تحریم، کاهش فروش نفت، جنگ

و اغتشاشات درگیر است؟

تولید نفت بیشتر از آمارهای رسمی است



مدیرعامل شرکت ملی نفت با اشاره به ملاحظات امنیتی، اعلام کرد که طی چندین سال گذشته آمارهای تولید و فروش نفت به صورت رسمی اعلام نشده است. وی گفت: «ما، چندین سال است که آمارهای تولید و فروش را رسماً اعلام نمی‌کنیم؛ هم به این دلیل که نمی‌خواهیم دشمن آمار دقیقی در اختیار داشته باشد و هم از نظر ملاحظات امنیتی، به هر حال مقداری سخت‌گیری می‌کنیم.»

وی افزود: «اما تولید ما بیش از ارقامی است که در نهاد های رسمی اعلام می‌شود. برای مثال، ارقامی که در مجلات یا منابع و مراجع جهانی منتشر می‌شود، نشان‌دهنده میزان واقعی تولید ما نیست و میزان تولید قطعاً بیشتر از این ارقام بوده است.»

مدیرعامل شرکت ملی نفت درباره عملکرد صادرات نفت در طول جنگ رمضان نیز اظهار کرد: «نکته

حائز اهمیت این است که ما در طول جنگ رمضان، صادرات خود را تقریباً ۱۰ درصد نسبت به زمان پیش از جنگ افزایش دادیم و بارگیری ما، علیرغم بمباران شدید، حدود ۱۰ درصد بیشتر شد؛ عدد دقیق آن ۸ درصد بود، اما به طور کلی بین ۸ تا ۱۰ درصد افزایش صادرات داشتیم.» وی ادامه داد: «مضاف بر اینکه قیمت نیز در نهایت افزایش پیدا کرده بود و این مسئله نیز تأثیر خود را داشت. بنابراین، ما در طول جنگ رمضان صادرات بیشتری داشتیم.» او با اشاره به مشکلات ناشی از محاصره اخیر دریایی گفت: «البته محاصره اخیر دریایی مشکلاتی ایجاد کرده است که در حال حل و فصل آن هستیم و اقدامات لازم را نیز در این زمینه انجام داده‌ایم.» مدیرعامل شرکت ملی نفت با توصیف شرایط به عنوان یک جنگ نابرابر، تأکید کرد: «این جنگ، جنگی نابرابر است.

ما هیچ‌گاه عقب‌نشینی نکرده‌ایم. در طول ۴۷ سال، آمریکا روزبه‌روز تحریم کرده و اقدامات خود را افزایش داده است و ما نیز هر روز پانک خود را انجام می‌دهیم؛ درست مانند یک جنگ نظامی که در آن درگیریم.»

وی درباره نحوه سازماندهی صنعت نفت در این شرایط نیز گفت: «سازماندهی‌ای که ما انجام دادیم به گونه‌ای بود که مدیران ما همگی در میدان بودند و همکاران ما نیز در میدان حضور داشتند؛ همان‌طور که ملت شریف ایران در میدان بودند. فرزندان این ملت در صنعت نیز در میدان بودند.» او افزود: «در حالی که در میدان جنگ خلیج فارس بودیم، هیچ‌کدام از همکاران ما سکوهای نفتی را ترک نکردند. آنها بدون هیچ سلاحی در تمام این مدت حضور داشتند. هیچ‌کدام از جزایر ما خالی یا تخلیه نشد و دوستان ما شجاعانه و مجاهدانه ایستادند و به کار خود ادامه دادند.»

توقف تولید واحدهای پتروشیمی به اوج خود رسید؛

خاموشی در کمین تولید

قطع برق دیگر فقط به خاموشی خانه‌ها و محدودیت فعالیت واحدهای صنعتی ختم نمی‌شود؛ حالا زنجیره تولید پتروشیمی کشور نیز یکی پس از دیگری از این بحران آسیب می‌بیند. طی روزهای اخیر، پتروشیمی‌ها با دلایل مشکلات ناشی از کمبود و قطع برق، فعالیت‌های تولیدی خود را متوقف کرده و پتروشیمی‌ها نیز به دنبال قطع برق و توقف تأمین خوراک کلر، از مدار تولید خارج شده است. همزمان، آمار معاملات بورس کالا از کاهش شدید عرضه برخی محصولات پتروشیمی‌ها رونق گرفته است؛ به طوری که عرضه یکی از محصولات این مجتمع نسبت به اسفند سال گذشته حدود ۹۲ درصد کاهش یافته است.

صنایع از حدود ۳۲ هزار تراوات ساعت در تابستان ۱۴۰۰ به ۴۰ هزار تراوات ساعت در تابستان ۱۴۰۳ رسید و در تابستان ۱۴۰۲ هم رکورد تأمین ۴۰۸ هزار تراوات ساعت برق برای صنعت شکسته شد؛ موضوعی که نشان داد حتی در شرایط ناترازی نیز می‌توان کاهش شدید عرضه برخی محصولات پتروشیمی‌ها را مدیریت کرد؛ به طوری که عرضه یکی از محصولات این مجتمع نسبت به اسفند سال گذشته حدود ۹۲ درصد کاهش یافته است.

مدیرعامل این پتروشیمی با ارسال نامه‌ای به سید علی‌خان، رئیس اداره نظارت بر ناشران گروه شیمیایی و غذایی سازمان بورس اعلام کرد: با عنایت به ناترازی برق ناشی از موج گرما و ضرورت کاهش و مدیریت مصرف برق در منطقه ماهشهر و همچنین توقف تولید خوراک کلر این شرکت توسط تأمین‌کننده (پتروشیمی‌ها)، کلیه فعالیت‌های تولید این شرکت به دلیل محدودیت و قطع برق و همچنین عدم دریافت خوراک کلر، تا اطلاع ثانوی از مدار تولید خارج گردید.

توقف تولید پتروشیمی‌ها و خطر شوک گرانی و کمبود کالا

چالش‌های تعطیلی واحدهای پتروشیمی، صرفاً به بیکار شدن کارگران و قطع موقت جریان درآمدی این بنگاه‌ها ختم نمی‌شود. با توجه به نقش کلیدی واحدهای پتروشیمی در تأمین کالاهای نهایی مصرف‌کنندگان و کالاهای واسطه‌ای تولید، خروج این بنگاه‌ها از چرخه فعالیت، پس از یک وقفه کوتاه باعث بروز کمبود در بازارهای مختلف و در نتیجه جهش قیمت کالاهای مرتبط می‌شود.

در چنین شرایطی، قطع برق این واحدها، نه تنها کمکی به رفاه مردم نمی‌کند، بلکه پس از وقفه‌ای کوتاه، چالش‌های بزرگتری را متوجه اقتصاد و معیشت مردم و بنگاه‌های تولیدی می‌کند.

تجربه موفق دولت شهید رئیسی در مدیریت ناترازی

در دولت شهید رئیسی، دولت در شرایطی آغاز به کار کرد که تابستان ۱۴۰۰ با قطعی‌های گسترده برق صنایع و خانوارها همراه بود و نارضایتی عمومی از خاموشی‌ها به یکی از مسائل جدی کشور تبدیل شده بود.

اما سیاست‌گذاری در سه محور دنبال شد: توسعه نیروگاه‌ها، مدیریت بهره‌برداری و مدیریت مصرف. نتیجه این رویکرد آن بود که مسئله برق صرفاً به افزایش تولید محدود نشد. همزمان تلاش شد مصرف نیز مدیریت شود و بار شبکه در ساعات اوج کنترل شود. در بخش صنعت نیز روند تولید برق مسیر متفاوتی پیدا کرد. میزان برق تحویلی به



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

روز گذشته، خبر توقف تولید یکی از پتروشیمی‌های کشور به دلیل قطعی برق منتشر شد. این چندمین مورد از توقف فعالیت پتروشیمی‌های کشور به دلیل مشکل قطعی برق طی روزها و هفته‌های اخیر است. تعطیلی واحدهای پتروشیمی و دیگر بنگاه‌های اقتصادی به دلیل قطعی برق درست زمانی اتفاق افتاده که مقامات دولت مدعی مدیریت ناترازی در تابستان امسال شده و شعار تأمین برق واحدهای تولیدی سر می‌دادند.

قطعی برق و تعطیلی پتروشیمی‌های کی پس از دیگری

طبق بررسی‌ها و گزارش‌های منتشرشده در بورس کالای ایران، روند عرضه محصولات پتروشیمی‌ها در بازار به کاهش چشمگیری مواجه شده است.

بر اساس گزارش‌های بورس کالا، یکی از محصولات این پتروشیمی در اسفندماه سال گذشته حدود ۱۳ هزار تن در اختیار مشتریان قرار می‌گرفت؛ اما طبق گزارش‌های هفته گذشته و هفته جاری، میزان عرضه این محصول به تنها هزار تن کاهش یافته است. کاهش حدود ۹۲ درصدی عرضه یک محصول کاربردی، آن هم در شرایطی که صنایع پایین‌دستی به طور مستقیم به تأمین این محصولات وابسته هستند، ابهام‌برانگیز و قابل تأمل است.

از سوی دیگر، برخی واحدهای تولیدی اعلام کرده‌اند که کاهش عرضه پتروشیمی‌ها در ناترازی از کمبود برق و کاهش تولید این مجتمع است.

پتروشیمی‌ها در شرایط نامرئی به سازمان بورس به دلیل مشکلات ناشی از کمبود برق تمام فعالیت‌های تولیدی خود را به حالت تعلیق درآورد. پتروشیمی‌ها در این نمونه دیگری بود به دلیل قطعی برق، تولید خود را متوقف کرد. کامران گنجی،

تالار شیشه‌ای

بورس، هفته را با رکوردشکنی تمام کرد

بورس تهران در آخرین روز کاری هفته، یکی از پرقدردترین صعودهای خود در هفته‌های اخیر را تجربه کرد و با ثبت رکوردهای جدید در شاخص‌های اصلی، هفته را در اوج به پایان رساند. شاخص کل بورس تهران در معاملات چهارشنبه چهارم شهریورماه با رشد ۱۶۲ هزار و ۶۹۸ واحدی معادل ۲۰۶۱ درصد، به سطح ۶ میلیون و ۳۸۶ هزار و ۵۷۷ واحد رسید. همزمان شاخص هم‌وزن نیز با رشد بیش از ۲ درصدی، قله تاریخی جدیدی را ثبت کرد؛ موضوعی که نشان می‌دهد رشد بازار صرفاً متکی به چند نماد بزرگ نبوده است.

شاخص کل هم‌وزن در معاملات دیروز ۳۷ هزار و ۶۳۷ واحد افزایش یافت و با رشد ۲۰۱ درصدی در سطح یک میلیون و ۸۰۲ هزار و ۷۷۳ واحد قرار گرفت. این رشد قابل توجه شاخص هم‌وزن در کنار جهش شاخص کل، از مشارکت گسترده‌تر نمادهای کوچک و متوسط در روند صعودی بازار حکایت دارد.

در فرابورس نیز روند مشابهی رقم خورد. شاخص کل فرابورس با افزایش ۹۹۶ واحدی، معادل حدود ۱۰۹۵ درصد رشد کرد و برای نخستین بار از مرز ۵۰ هزار واحد عبور کرد و به ۵۰ هزار و ۶۷۹ واحد رسید.

گسترده‌ترین صعود در معاملات چهارشنبه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بازار بود. در پایان معاملات، ۹۲ درصد نمادهای بورسی مثبت بودند و تنها ۸ درصد نمادها در محدوده منفی معامله شدند. در مجموع نیز ۹۴۶ نماد مثبت در برابر ۱۰۶ نماد منفی ثبت شد.

در میان صنایع بزرگ، گروه سرمایه‌گذاری‌ها با رشد ۳۰۵۸ درصدی بیشترین افزایش را به ثبت رساند. پس از آن شرکت‌های چندرشته‌ای صنعتی با ۲۰۹۴ درصد، بانک‌ها با ۲۰۸۶ درصد، فلزات اساسی با ۲۰۶۷ درصد، خودرو با ۲۰۶۳ درصد و فرآورده‌های نفتی با ۲۰۲۴ درصد رشد قرار گرفتند.

در میان نمادهای بزرگ نیز فملی، فارس و شپنا بیشترین اثر مثبت را بر شاخص کل بورس داشتند. در فرابورس نیز گهر، آریان و آریا از نمادهای اثرگذار بر شاخص بودند.

صعود شاخص‌ها با ورود قابل توجه سرمایه حقیقی به بازار همراه بود. در جریان معاملات روز گذشته، حقیقی‌ها حدود ۴ هزار و ۵۵۳ میلیارد تومان پول خرد وارد چرخه سهام و صندوق‌های سهامی کردند. گروه‌های نفتی، بانکی و فلزی بیشترین ورود سرمایه حقیقی را تجربه کردند، در حالی که صنایع دارویی، رایانه و ارتباطات با خروج پول حقیقی مواجه شدند.

همزمان ارزش معاملات خرد سهام و صندوق‌های سهامی به ۳۱ هزار و ۴۷۰ میلیارد تومان رسید. مجموع ارزش معاملات بورس تهران و فرابورس نیز به محدوده ۱۶۷ هزار میلیارد تومان رسید.

رئیس دولت در جشنواره شهید رجایی، از همتی بابت مدیریت وی تقدیر کرد؛

تقدیر از دلار ۲۰۰ تومانی

در شرایطی که نرخ دلار از مرز تاریخی ۲۰۰ هزار تومان عبور کرده و اقتصاد ایران با یکی از سخت‌ترین دوره‌های تومی خود مواجه است، دولت در جشنواره شهید رجایی از عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی، به دلیل آنچه «مدیریت بحران در طول جنگ تحمیلی» خوانده شد، تقدیر کرد؛ اقدامی که با واکنش‌های انتقادی گسترده‌ای روبه‌رو شده است. منتقدان می‌گویند تقدیر از رئیس کل بانک مرکزی در چنین مقطعی، آن هم در حالی که افت ارزش پول ملی و ثبت

رکودهای تورمی به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصادی کشور تبدیل شده، با واقعیت‌های عملکردی بانک مرکزی فاصله دارد. این انتقادهای البته تنها به نرخ ارز محدود نیست و عملکرد شبکه بانکی در دوره جنگ، اختلال در دسترسی مردم به اسکناس، هک سامانه‌های بانکی و روند ثبت برخی رکودهای پولی و تورمی نیز محل پرسش است. در همین حال، اظهارات مسعود پزشکیان و عبدالناصر همتی در این مراسم، بر حاشیه‌های آن افزود.



نیمایسهیلی
روزنامه نگار

بیست و یکمین جشنواره شهید رجایی، صبح دیروز (چهارشنبه ۴ شهریور ۱۴۰۵) با حضور مسعود پزشکیان در سالن اجلاس سران برگزار شد. این جشنواره هر سال با هدف شناسایی و تقدیر از دستگاه‌های برتر در خدمت رسانی به مردم برگزار می‌شود. مراسم دیروز اما برخلاف بسیاری از دوره‌های گذشته، بازتاب رسانه‌ای گسترده‌ای نه تنها در رسانه‌ها، بلکه در شبکه‌های اجتماعی داشت. علت این بازتاب گسترده اما نه جذابیت محتوا و همدلی مردم با آن، بلکه دستگاه‌های مورد تقدیر قرار گرفته بود. جنجالی‌ترین بخش این مراسم، تقدیر از عبدالناصر همتی، رئیس کل بانک مرکزی بود.

در متن لوح تقدیری که پزشکیان به همتی داد، «مدیریت بحران در طول جنگ تحمیلی» به عنوان دلیل این انتخاب عنوان شده است. تقدیر از همتی درست در روزهایی انجام شد که ارزش پول ملی به کمترین حد تاریخی خود رسیده است. عبور نرخ دلار از مرز تاریخی ۲۰۰ هزار تومانی، انتقادهای عملکرد دولت در حوزه اقتصادی خصوصاً حفظ ارزش پول ملی را به بالاترین حد خود رسانده است. طی روزهای اخیر نه تنها رسانه‌ها، بلکه شبکه‌های اجتماعی هم از محتواهای انتقادی نسبت به افت شدید ارزش پولی ملی پر شده است. با وجود اوج گیری انتقادهای عملکرد همتی، تقدیر پزشکیان از همتی، جایگاه و اهمیت افکار عمومی نزد دولتمردان را به وضوح آشکار کرد.

کارنامه جنگی زیر سوال

انتقادهای به بانک مرکزی البته تنها به افت ارزش پولی ملی در روزهای اخیر محدود نمی‌شود. دولت در حالی از عملکرد همتی در ایام جنگ تقدیر کرده‌و آن را مصداق «مدیریت بحران» خوانده که اتفاقاً بخش مهمی از نابسامانی‌ها در آن ایام، در حوزه مدیریت وی بوده است. در ایام جنگ و زمانی که نیروهای مسلح با همراهی مردم در حال دفاع از وطن بودند، یکی از جنگ زده‌ترین بخش‌ها منظر در کشور، بخش پولی و بانکی کشور بود. تأمین نشدن اسکناس در دستگاه‌های خودپرداز با وجود تجربه موفق قبلی در جنگ ۱۲ روزه، باعث شد بسیاری از مردم در مبادلات مالی روزمره خود دچار مشکل شوند. در طول جنگ ۱۲ روزه، یکی از اقدامات بانک مرکزی، افزایش فوری حجم تأمین اسکناس در دستگاه‌های خودپرداز بود. اینبار اما با وجود تجربه قبلی، اقدامی

در این زمینه نشد و همین غفلت باعث خالی ماندن بسیاری از دستگاه‌های خودپرداز شد. همچنین افزایش تعداد دستگاه‌های خودپرداز معیوب در طول جنگ، عامل دیگری در دشوارتر شدن دسترسی مردم به پول نقد بود.

بزرگترین هک بانکی تاریخ در دوره همتی

هک سامانه‌های چندین بانک بزرگ کشور نیز از دیگر نقاط تاریک عملکرد همتی و مجموعه تحت مدیریت وی است. این اتفاق در حالی رخ داد که بسیاری از کارشناسان و حتی مسئولان کشور از خطر تکرار هک بانک‌ها و شبکه‌های پرداخت توسط دشمن با هدف مختل کردن زندگی مردم، افزایش نارضایتی و سوءاستفاده از آن هشدار داده بودند. اهمال بانک مرکزی و به‌طور خاص شرکت ملی انفورماتیک در ایمن‌سازی سامانه‌های بانکی و به حداقل رساندن ریسک عملیاتی بانک‌ها، زمینه را برای هک این سامانه‌ها فراهم کرد. بدین ترتیب، بزرگترین هک بانکی تاریخ کشور در دوره مدیریت همتی در بانک مرکزی رقم خورد.

رکوردهای تورمی همتی

شاهکارهای همتی در بانک مرکزی البته به همین موارد ختم نمی‌شود. همتی از زمان بازگشت به بانک مرکزی، در بسیاری از شاخص‌ها حائز بالاترین رکوردها دست کم در نیم قرن اخیر شده است. بالاترین نرخ رشد نقدینگی و پایه پولی، بالاترین تورم تولیدکننده و مصرف‌کننده، برخی از مهمترین رکوردهای همتی است که طی هفته‌ها و ماه‌های گذشته با انتشار آمارها، به‌طور مفصل بدان پرداخته شده است.

غیبت در روزهای جنگ

نکته دیگر در رابطه با همتی، غیبت مطلق وی در ایام جنگ است. در جنگ ۱۲ روزه، محمدرضا فرزین رئیس کل پیشین بانک مرکزی با حضور در میدان و حتی بازدید سرزده از شعبات بانک‌ها، تلاش کرد فضای روانی جامعه نسبت به پایداری شبکه بانکی را مدیریت کرده و نسبت به پایداری نظام مالی به مردم اطمینان خاطر دهد. در جنگ ۴۰ روزه اما همتی حتی فراتر از سران قوا که مستقیماً مورد تهدید ترور قرار داشتند، از منظر پنهان شده بود.

همتی: شرایط امروز نتیجه تلاش‌ها و دستورات پزشکیان است

رئیس کل بانک مرکزی پس از اعلام بانک مرکزی به عنوان دستگاه برگزیده به عنوان دستگاه برگزیده، به روی صحنه آمد تا تقدیرنامه را از رئیس خود دریافت کند. در

این مراسم، بانک مرکزی جایزه «دستگاه برگزیده» بخش یاور فتح بیست و یکمین دوره جشنواره شهید رجایی را با خدمت رسانی به مردم و مدیریت بحران در طول جنگ تحمیلی کسب کرد. همتی هم پس از دریافت لوح تقدیر خود، در سخنانی معنادار، پزشکیان را عامل شرایط کنونی خواند و گفت: الان شرایطی که ما داریم نتیجه تلاش‌ها، صداقت و دستورات موکدایشان بوده است.

حواشی اظهارات پزشکیان

حاشیه‌های مراسم دیروز البته تنها به تقدیر از همتی محدود نشد. اظهارات رئیس دولت نیز مانند همیشه، یکی از محورهای حاشیه بود. تکرار اظهارات شعارگونه، کلی‌گویی، اشاره به برخی آیات کلام وحی و تفسیر به رای از آنها، برخی از محورهای تکراری اظهارات پزشکیان بود. در کنار این موارد اما، پزشکیان طبق روال معمول خود، اظهارات عجیب و متناقضی هم مطرح کرد. وی در بخشی از سخنان خود اعلام کرد که مشکلات امروز ناشی از فشارهای غیرانسانی و وحشیانه‌ای است که بر کشور اعمال شده است.

تأکید چندباره رئیس دولت بر نقش جنگ در مشکلات اقتصادی، همان خطی است که تیم رسانه‌ای دولت از ماه‌ها قبل آغاز کرده‌اند تا بدین وسیله، نقش دولت در مشکلات اقتصادی را کم‌رنگ کرده و خود را از آن مبرا کنند.

انتقاد پزشکیان از پزشکیان

پزشکیان همچنین در بخشی دیگر از اظهاراتش گفت: کسانی باید جلودار باشند که می‌دانند، می‌توانند و باور و ایمان دارند. «بیان این جمله از طرف رئیس دولتی که خودش و کادر مدیریتش تقریباً هر هفته به ناتوانی خود در مدیریت کشور اذعان می‌کنند، نکته عجیب دیگری است. پزشکیان همچنین اظهار داشت: در همه تحلیل‌های جهانی، ایران پیروز این میدان شناخته شده است؛ اما گاهی خودمان روایتی می‌سازیم که گویا شکست خورده ایم.

وی در حالی «روایت شکست» را به سایرین نسبت می‌دهد که همین دور روز پیش اسکات بسنت، وزیر خزانه داری آمریکا با انتشار اظهارات پزشکیان و قالیباف که در آن به مشکلات اقتصادی و ناتوانی از حل آنها پرداخته بودند، از موفقیت آمریکا در جنگ اقتصادی با ایران ابراز خوشحالی کرده و با نشان دادن نمودار که رسیدن قیمت دلار به ۲ میلیون ریال را نشان می‌داد، نوشت: «پیش به سوی سه میلیون ریال!»

نبض اقتصاد

رکورد تاریخی تورم در مرداد؛

سالانه ۶۵/۱، نقطه به نقطه ۸۴/۴ درصد

گزارش جدید بانک مرکزی از تورم منتشر شد که نشان می‌دهد تورم سالانه مطابق انتظار و طبق روال ماه‌های اخیر، رکورد جدیدی ثبت کرده است. طبق گزارش بانک مرکزی، تورم سالانه مصرف‌کننده در مرداد ماه امسال به ۶۵/۱ درصد رسیده که بالاترین رقم در بیش از ۸ دهه اخیر به شمار می‌رود.

همچنین تورم ماهانه نیز در مرداد ماه به ۳۰/۷ درصد رسیده که نسبت به رقم ۳/۶ درصد تیر ماه، ۰/۱ واحد درصد افزایش داشته است. تورم نقطه به نقطه هم در مرداد به ۸۴/۴ رسیده که نسبت به ۸۳/۹ درصد در تیرماه، رشد ۰/۵ واحد درصدی را نشان می‌دهد.

گزارش بانک مرکزی همچنان نشان می‌دهد فشار تورمی عمدتاً در سمت کالاهاست. طبق این گزارش، تورم سالانه کالاهای در مرداد به ۹۲/۲ درصد رسیده و تورم نقطه به نقطه هم همچون ماه گذشته ۱۲/۵ درصد بوده است.

با وجود پایین‌تر بودن تورم خدمات، صعودی شدن تورم این بخش طی ماه‌های اخیر، بخش نگران‌کننده گزارش بانک مرکزی است. به بیان دیگر در شرایطی که بخش کالاهای اکنون تورم نقطه به نقطه بی‌سابقه و سه رقمی را تجربه می‌کنند، به نظر می‌رسد بخش خدمات در حال جبران عقب افتادگی خود از تورم بازار کالاهاست. در صورت تداوم روند صعودی تورم بخش خدمات، تشدید تورم در ماه‌های آینده و ثبت رکوردهای جدید، بسیار محتمل به نظر می‌رسد.

نکته دیگر در گزارش بانک مرکزی، جهش دوباره تورم در برخی اقلام خوراکی است. طبق این گزارش تورم ماهانه لبنیات و تخم مرغ در مرداد به ۷/۸ رسیده در حالی که در تیرماه ۳/۵ درصد بود. همچنین تورم سبزیجات و حبوبات در مرداد ماه ۸/۷ درصد بوده که بیش از دو برابر تورم ماهانه کل است. تجدید تورم در این دو گروه خوراکی درست در همان ماهی اتفاق افتاده که وزیر جهاد کشاورزی مدعی کاهش قیمت برخی از اقلام خوراکی شده بود.

گذشته از جزئیات اعداد و ارقام مندرج در گزارش تورم مرداد ماه بانک مرکزی، نحوه اعلام خبر در تارنمای این نهاد است. بانک مرکزی در خبر تورم مرداد، برخلاف رویه معمول خود تلاش کرد رکوردشکنی تورم را توجیه کند. در متن منتشر شده در تارنمای بانک مرکزی آمده است: تورم ماهانه در اردیبهشت ماه با ۸/۵ درصد به اوج خود رسید که در نتیجه عوامل مختلف، این روند صعودی از ماه‌ها قبل شروع شده بود. از جمله این عوامل، شرایط اقتصادی کشور در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه در تیرماه ۱۴۰۴ بود که موجبات رشد نقدینگی و انتظارات تورمی را در سال گذشته ایجاد کرده بود که با رخدادهای بعدی در طی سال گذشته از جمله جنگ تحمیلی رمضان و محاصره اقتصادی و سایر عوامل دیگر، تشدید شده و فشار رو به بالایی جهت افزایش نرخ تورم را ایجاد کرده بود.

معرفی جنگ به عنوان عامل اصلی تورم گزاره‌ای پرتکرار در اظهارات مقامات دولت و خصوصاً رئیس کل بانک مرکزی طی ماه‌های اخیر بوده است تا بدین ترتیب سیاست‌های اقتصادی دولت خصوصاً حذف ارز ترجیحی در دی ماه سال گذشته کم‌رنگ جلوه داده شود.

استاندارد دوگانه در ارزیابی دولت

تقدیر پزشکیان از دولت با این استدلال که کشور هنوز ایستاده، استاندارد دوگانه در اصلاح طلبان در ارزیابی عملکرد دولت‌ها را بار دیگر نشان داد. این طیف زمانی که خود دولت را در دست داشته باشند، صرف ناپود نشدن ایران را نشانه موفقیت خود می‌خوانند. این در حالی است که همین افراد در زمان دولت شهید رئیسی و دولت احمدی نژاد، با مقایسه ایران با اروپا و آمریکا، نشان دادن برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی را سندی بر شکست آن دولت‌ها عنوان می‌کردند.

بین الملل

آتش صهیونیست‌ها همچنان روی سر لبنانی‌ها

رژیم صهیونیستی دیروز با انجام چندین انفجار و گلوله‌باران مناطق مختلف در جنوب لبنان، حملات خود در این منطقه را ادامه داد.

شبکه المیادین گزارش داد که ارتش رژیم صهیونیستی امروز چهار انفجار در شهرک «الخیام» در جنوب لبنان انجام داد. همچنین توپخانه رژیم صهیونیستی شهرک «بنی‌حیان» را هدف حملات سنگین قرار داد. در منطقه «برعشیت» نیز ارتش رژیم صهیونیستی یک انفجار در اطراف این شهرک، در سمت شهرک «عیترون» انجام داد. المیادین همچنین از هدف قرار گرفتن شهرک «المنصوری» توسط توپخانه رژیم صهیونیستی خبر داد. براساس این گزارش، ارتش رژیم صهیونیستی همچنین یک انفجار در شهرک «بیوت السیاد» در جنوب لبنان انجام داده است. ارتش رژیم صهیونیستی با وجود توافق با دولت لبنان و تفاهم اسلام‌آباد همچنان به نقض آتش‌بس ادامه داده و مناطقی از این کشور را اشغال کرده است. لبنان و رژیم اسرائیل پیشتر با میانجی‌گری آمریکا «توافق چارچوب» را امضا کردند؛ توافقی که هدف آن پایان دادن به جنگ میان این رژیم و حزب‌الله عنوان شده است. این توافق پس از چند دور مذاکرات مستقیم میان دو طرف در واشنگتن حاصل شد. در عین حال، این توافق با انتقاداتی نیز روبه‌رو شده است. منتقدان به ابهام در وضعیت حقوقی توافق و نبود جدول زمانی مشخص برای خروج نیروهای صهیونیست اشاره می‌کنند.



گزارش نیویورک تایمز از ایستادگی کانادا علیه آمریکا

مذاکره کانادا آمریکا یا پیمان چپاول؟

تحریم‌های چندلایه تا جنگ ۴۰ روزه و سپس محاصره و فشارهای پس از آن، هر مرحله به آزمونی برای سنجش قدرت واقعی واشنگتن تبدیل شد و نتیجه آن، برخلاف محاسبات کاخ سفید، پیروزی نبود. حالا به نظر می‌رسد این تجربه در حال سرایت به دیگر کشورهاست. از جمله کانادا که فهمیده است آنچه ترامپ مذاکره می‌نامد، بیش از آنکه بده‌بیستان باشد، تلاشی برای تحمیل یک‌طرفه خواسته‌های آمریکاست.

آن هدف را محقق کند. پس از آن، فشار از عرصه اقتصادی به میدان نظامی کشیده شد. جنگ ۴۰ روزه، برخلاف محاسباتی که در واشنگتن و تل‌آویو طراحی شده بود، نه به فروپاشی ایران انجامید و نه توانست اراده کشور را درهم بشکند. پس از جنگ نیز محاصره و فشارهای اقتصادی ادامه پیدا کرد اما باز هم آنچه آمریکا به دنبال آن بود، محقق نشد. حالا همین واقعیت را باید در ماجرای تفاهم‌نامه ایران و آمریکا نیز دید. برخی هنوز از دستاورد تفاهم‌نامه‌ای که ترامپ آن را پاره کرد سخن می‌گویند. تفاهم‌نامه‌ای که متن بسیار دلنشینی داشت. از آزاد شدن منابع مالی ایران، برداشته شدن تحریم‌ها، گشایش اقتصادی و حتی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران.

اما سؤال اصلی اینجاست که آیا آمریکا آن را برای اجرا منعقد کرده بود؟ اگر قرار بود همه آن وعده‌ها اجرا شود، چرا وزیر خزانه‌داری آمریکا، اسکات بسنت، از آن توافق صرفاً در چارچوب عبور و گذر نفتکش‌ها و پرکردن ذخایر نفتی سخن گفت؟

اکنون کانادا نیز، با فاصله‌ای بسیار کمتر از گذشته، همین واقعیت را لمس می‌کند. ترامپ تعرفه ۵۰ درصدی بر برخی صادرات کانادا اعمال کرده و اتاوا نیز در پاسخ تعرفه‌های تلافی‌جویانه وضع کرده است. کارنی حتی تأکید کرده که کانادا امروز به دلیل گسترش روابط اقتصادی خود با کشورهایی مانند کره جنوبی، چین، آلمان و هند، دست بازتری برای مقاومت دارد. جالب آنکه فضای سیاسی کانادا نیز دیگر فضای ترس و انفعال نیست. برخی مقامات کانادایی از «ایستادن روی موضع خود» سخن می‌گویند و حتی در سطح جامعه، مقاومت در برابر فشار آمریکا به یک مطالبه عمومی تبدیل شده است. و شاید مهم‌ترین شکست آمریکا همین باشد؛ اینکه مقاومت ایران، از یک تجربه داخلی به یک درس بین‌المللی تبدیل شده است. درسی که برخی هنوز متوجه آن نشده‌اند و در خواب شیرین یک توافق به سر می‌برند.

کارنی در توصیف پیشنهاد آمریکا یک جمله کلیدی دارد: «آن‌ها خیلی زیاد خواستند و خیلی کم پیشنهاد دادند.» او همچنین صریح‌تر گفت: «ما نمی‌توانیم آنچه را که آن‌ها ارائه داده‌اند بپذیریم، و آنچه را که خواسته‌اند، نخواهیم داد.» حتی ادبیات مقام‌های ایالتی کانادا نیز نشان می‌دهد که فضای سیاسی این کشور از موضع انفعالی فاصله گرفته است. دیوید ایبسی، نخست‌وزیر بریتیش کلمبیا، خطاب به آمریکا گفت: «اگر با کانادایی‌ها دعوا راه بیندازید، دیگر در جهان دوستی نخواهید داشت.» واب کینو، نخست‌وزیر منیتوبا، نیز با لحنی صریح اعلام کرد: «ما دست بالا را داریم».

این ادبیات را باید جدی گرفت. کانادا، که سال‌ها یکی از نزدیک‌ترین شرکای اقتصادی و سیاسی آمریکا بوده، اکنون به این نتیجه رسیده که در برابر فشار واشنگتن باید ایستاد نه اینکه صرفاً امتیاز داد. کارنی نیز در توضیح تصمیم خود برای ترک مذاکرات گفت: «وقتی مورد حمله قرار می‌گیری، در جنگ هستی؛ و ما مورد حمله قرار گرفتیم.»

این همان نقطه‌ای است که کانادا، همسایه و شریک تجاری نزدیک آمریکا، به یک واقعیت ساده رسیده است. آمریکا وقتی پای منافعش در میان باشد، لزوماً به دنبال توافق نیست، بلکه می‌خواهد طرف مقابل را وادار به پذیرش شروط خود کند.

اما نکته مهم‌تر اینجاست که کانادا تنها با تجربه خودش به این نقطه نرسیده است. جهان طی سال‌های گذشته نمونه روشن‌تری از مواجّه با این منطق یعنی ایران را دیده است. ایران سال‌ها تحت شدیدترین تحریم‌های آمریکا قرار گرفت. تحریم‌هایی که قرار بود اقتصاد کشور را فلج و اراده تهران را تسلیم کند. اما تحریم نتوانست

Canadians Stand Their Ground as Trade War Intensifies

Business owners are preparing for financial pain after the latest U.S.-Canada trade talks collapsed. But many Canadians are embracing a show of resistance.

Listen · 5:47 min

Share full article

18



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

دستاوردی که پاره شد

ماجرای کانادایی که از ایران درس گرفت و مقابل آمریکا ایستاد را باید برای برخی در داخل کشور که از برجام، جنگ ۱۲ روزه، جنگ ۴۰ روزه و حتی اسلام‌آباد نیز درس نگرفته‌اند توضیح داد. کسانی که هنوز از دستاورد تفاهم‌نامه‌ای که ترامپ آن را پاره کرد و به یک کلمه از آن نیز عمل نکرد، سخن می‌گویند.

یادداشت

مرگ آسوده رابه گور خواهند برد

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

اگر خیال کرده بودند با ترور رهبر شهید انقلاب می‌تواند پرونده مقاومت را ببندند و با حذف یک فرمانده، اراده یک ملت را از میان ببرند، حالا نشانه‌های اضطراب و وحشت در اردوگاه دشمن چیز دیگری می‌گوید. انتشار گزارش‌هایی درباره تهدید مستقیم خانواده رئیس‌جمهور آمریکا و هم‌زمان آشکار شدن نشانه‌هایی از هراس در سرزمین‌های اشغالی، نشان می‌دهد کسانی که روزی با زبان تهدید سخن می‌گفتند، امروز خود را در محاصره کابوس ناامنی می‌بینند.

چند هفته پیش ویدئویی با عنوان «ملانیا را کجا بکشیم؟» منتشر شد که با استفاده از تصاویر و اطلاعات عمومی، مکان‌های رفت‌وآمد ملانیا ترامپ در نیویورک را مورد اشاره قرار داده بود. این ویدئو با واکنش سرویس مخفی آمریکا مواجه شد و گزارش‌هایی از آغاز تحقیقات درباره آن منتشر شد. پس از آن نیز غیبت طولانی ملانیا از انظار عمومی توجه رسانه‌های آمریکایی را برانگیخت؛ او در هیچ برنامه عمومی دیده نشد و سرانجام پس از ۳۲ روز در باغ‌رز کاخ سفید ظاهر شد و با کنایه گفت: «شنیدم دلتان برایم تنگ شده است!»

حالا ماجرای بارون ترامپ، پسر ۲۰ ساله رئیس‌جمهور آمریکا، ابعاد تازه‌ای به این فضای امنیتی داده است. نیویورک پست گزارش داده ویدئویی سه دقیقه‌ای با عنوان «بارون ترامپ را کجا بکشیم؟» پخش شده است و در آن رفت‌وآمدهای او به تصویر کشیده شده است. این گزارش همچنین از تعیین جایزه ۱۰ میلیون دلاری برای کشتن او خبر داده است. نیوزمکس نیز مدعی شده سرویس مخفی آمریکا این تهدید را بررسی می‌کند.

اما ماجرا تنها به خانواده ترامپ محدود نمانده است. براساس گزارش نیوزمکس، یائیر نتانیاهو، پسر ۳۵ ساله نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، پس از آنکه مقام‌های اسرائیلی از طرحی برای هدف قرار دادن او در فلوریدا مطلع شدند، به سرعت آمریکا را ترک کرده و به سرزمین‌های اشغالی بازگشته است. این گزارش به نقل از منابع خود مدعی شده عوامل ایرانی احتمالی محل اقامت و رفت‌وآمد او را زیر نظر داشته‌اند. انتشار چنین گزارشی نیز گویای عمق نگرانی‌های امنیتی در اطراف خانواده نتانیاهو است.

از سوی دیگر، در پی انتشار ویدئوی مربوط به بارون ترامپ، رسانه‌های آمریکایی از جمله سی‌بی‌ان نیز با راه‌اندازی فراخوانی از حامیان ترامپ خواسته‌اند برای حفاظت از او دعا کنند. همه این‌ها را باید در کنار تهدیدهای پیشین علیه دونالد ترامپ و خانواده او و همچنین انتشار تصاویر شلیک ناگهانی یکی از محافظان بنیامین نتانیاهو در جریان حرکت کاروان او در تل‌آویو دید. پیام روشن است. ترور و جنایت، آن‌گونه که قاتلان تصور می‌کردند، خیابانی یک‌طرفه نیست که فقط آنها بتوانند در آن حرکت کنند.

قاتلان رهبر شهید باید بدانند شهادت، پایان راه نیست؛ آغاز یک مطالبه تاریخی است. آنها شاید تصور کرده باشند با یک جنایت آسوده خواهند خوابید، اما از این پس هر تهدید، هر شکاف امنیتی و هر صدای مشکوک می‌تواند خواب را از چشمان بگیرد. مرگ آسوده، وعده‌ای نیست که قاتلان بتوانند روی آن حساب کنند.

یادداشت

سلاح ایرانی؛ تفاوت

شهریور ۱۴۰۵ با شهریور ۱۳۲۰

پدرام حسینی
روزنامه‌نگار

هشتاد و پنج سال پیش، در شهریور ۱۳۲۰، ایران با اشغال متفقین، فروپاشی اقتدار نظامی، تحقیر حاکمیت و در نهایت تبعید رضاشاه مواجه شد؛ بحرانی که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن، از جمله قحطی و مرگ شمار زیادی از ایرانیان، تا سال‌ها ادامه یافت. با این حال، هنوز سلطنت طلبان، آن دوره را با عنوان «دوران درخشان» تبلیغ می‌کنند؛ دورانی که حتی ارتش پرطمطراق رضاخانی نتوانست یک روز در برابر نیروهای خارجی مقاومت مؤثری نشان دهد.

اما شهریور ۱۴۰۵، با وجود تفاوت بنیادین شرایط، یک واقعیت مهم را آشکار کرد. آمریکا، بزرگ‌ترین قدرت نظامی و اقتصادی تاریخ جهان، در دو جنگ پیاپی و در نبردهای ۱۲ روزه و ۳۹ روزه و سپس ۱۷ روز رویارویی بر سر تنگه هرمز، به دنبال فلج کردن و نابودی و خنثی سازی ابدی ایران بود. با این حال، خبری از اشغال کشور، فروپاشی ارتش، تبعید حاکم ایران یا تسلیم کشور نشد. آنچه در برابر چشم جهان قرار گرفت، مقاومت تاریخی نیروهای مسلح، ایستادگی ایران و شهادت قهرمانانه فرماندهان و رهبری کشور بود. تفاوت اصلی را نباید صرفاً در شعارهای وطن‌دوستانه جست‌وجو کرد؛ بلکه باید آن را در یک دستاورد راهبردی و افتخار تاریخی دید: سلاح ایرانی. ایران پس از صفویه و افشاریه، به دلیل عقب ماندگی فناورانه، ضعف ساختاری و آشفتگی سیاسی قاجار، از داشتن ابزار جنگ مدرن محروم شد. نتیجه روشن بود: در جنگ‌های ایران و روس، کشور توان مقابله پایدار با قدرت نظامی روسیه را نداشت و با قطع پشتیبانی فرانسه، یکی از تلخ‌ترین ترازهای تاریخ ایران رقم خورد. در دوره رضاشاه نیز ارتش متحدالشکل، در برابر متفقین عملاً مقاومت مؤثری نکرد. در دوره پهلوی دوم هم وابستگی نظامی به آمریکا، استقلال تصمیم‌گیری را محدود کرده بود.

حتی در دفاع مقدس نیز تحریم تسلیحاتی و تنهایی ایران، یکی از مشکلات اساسی بود؛ هر چند مجاهدت رزمندگان این خلأ را جبران کرد. اما تفاوت امروز در همین جاست: ایران صاحب سلاحی شده که برای استفاده از آن محتاج اجازه یا پشتیبانی قدرت دیگری نیست. تحلیل‌گران یکی از ویژگی‌های ژئوپلیتیک ایران را تنهایی استراتژیک عنوان می‌کنند و راه فائق آمدن بر این مشکل در یک حمله خلاصه می‌شود سلاح ایرانی همان چیزی که بزرگترین میراث خامنه‌ای شهید بود.

در جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی سوم، آنچه محاسبات دشمن را برهم زد، موشک ایرانی، پهپاد ایرانی و پدافند ایرانی بود به طوریکه امروز پایگاه‌های آمریکا در منطقه دیگر حاشیه امن مطلق نیستند و واشنگتن برای بازگشایی هرمز کاملاً درمانده است. فشار بر دوستان ایران نیز الزاماً نتیجه مطلوب آمریکا را تولید نمی‌کند؛ چون تهران در جنگ خود، برخلاف بسیاری از مقاطع تاریخ معاصر، وابسته به حمایت نظامی هیچ قدرت خارجی نیست. این همان راز تفاوت شهریور ۱۴۰۵ با شهریور ۱۳۲۰ است.

آمریکا به تفاهم عمل نکرد، اما دولتمردان هنوز از بازگرداندن واشنگتن به اسلام‌آباد می‌گویند

اصرار بر تفاهم مرده!

قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، در همین چارچوب قابل تأمل‌تر است؛ به‌ویژه آنجا که وی بر پابرجا بودن تصمیمات شعام تأکید می‌کند، در حالی که روند تحولات پس از این تفاهم، خلاف این روایت را نشان داده است.

در روزهای اخیر، اصرار برخی نزدیکان دولت بر اینکه تفاهم اسلام‌آباد همچنان «سند منافع ملی» است و باید آمریکا را به اجرای آن بازگرداند، پرسش‌های جدی درباره نسبت این مواضع با سیاست‌های کلی نظام ایجاد کرده است. اظهارات محمدجعفر



محسن فرهنگند

روزنامه‌نگار

اصرار بی فایده به تفاهم شکست خورده

اصرار معاون اجرایی

رئیس‌جمهور بر اینکه «اتفاق رأی

شعام کماکان

پابرجاست»، در

شرایطی که تفاهم

اسلام‌آباد عملاً

با نقض تعهدات

آمریکا فرو ریخته

و درباره روند

طی‌شده در شعام

نیز تغییرات مهمی

رخ داده، نیازمند

توضیح روشن

است. نمی‌توان

هم از بی‌اعتباری

تعهدات آمریکا

سخن گفت و

هم همان تفاهم

شکست‌خورده را

نسخه بازگشت

آرامش اقتصادی

معرفی کرد.

نبود. در حوزه نفت نیز وعده‌ها عملی نشد. مجوز صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی، خدمات بانکی، بیمه‌ای و حمل‌ونقل مرتبط، سریعاً نقض شد. دارایی‌های مسدودشده ایران نیز آزاد نشد و حتی ایده استفاده از این منابع برای خرید کالاهای آمریکایی، جایگزین تعهد صریح برای در دسترس قرار گرفتن دارایی‌ها برای ایران نبود. از برنامه ۳۰۰ میلیارد دلاری بازسازی نیز خبری نشد. پس چه چیزی از این «سند افتخار» باقی مانده است؟ تحریم‌ها لغو نشدند، محاصره پایان نیافت، دارایی‌ها آزاد نشدند و مهم‌تر از همه، اصل توقف جنگ پایدار نماند.

به همین دلیل بود که رهبر انقلاب در پیام ۲۷ تیرماه، تفاهم اسلام‌آباد را در چارچوب یک تجربه تلخ از بدعهدی آمریکا قرار دادند و با اشاره به نقض مکرر تعهدات، آن را تجربه‌ای تاریک و سندنه‌گیری بر غیرقابل اعتماد بودن آمریکا دانستند. اکنون سؤال این است: وقتی تجربه میدانی، نقض تعهدات آمریکا و مواضع عالی نظام چنین تصویری ارائه می‌دهد، اصرار بر بازگرداندن واشنگتن به همان تفاهم چه معنایی دارد؟

مسئله قائم‌پناه؛ فراتر از یک اظهار نظر

از این منظر، اصرار بر پابرجا بودن تصمیمات مورد اختلاف شعام، پس از آنکه درباره روند گذشته این شورا تغییرات مهمی رخ داده و رهبری انقلاب نیز نظر متفاوت خود را اعلام کرده‌اند، می‌تواند ظن فاصله گرفتن دوباره جریان اصلاح‌طلب از سازوکارهای نظام را تقویت کند.

حتی اگر تعبیرهایی مانند «کودتا» یا «براندازی خاموش» را فعلاً در حد یک نگرانی و ظن سیاسی بدانیم، منشأ این نگرانی روشن است: آیا قرار است بار دیگر بخشی از جریان سیاسی، از درون ساختار رسمی قدرت، مرزهای اختیارات نهادها و جایگاه ولایت فقیه را محل مناقشه قرار دهد؟ اگر قرار است تجربه اسلام‌آباد درسی برای آینده باشد، نخستین درس آن اعتماد نکردن به امضای آمریکا است؛ و درس دوم، حفظ انضباط درون حاکمیت و جلوگیری از آن است که اختلاف‌نظرهای سیاسی به بازتعریف جایگاه ولایت فقیه و تضعیف ساختار تصمیم‌گیری نظام منجر شود.

اساسی، جایگاه رهبری و اختیارات ایشان در تعیین سیاست‌های کلی نظام و فرماندهی عالی نیروهای مسلح، امری تشریفاتی یا توصیه‌ای نیست. بنابراین تقلیل نسبت نهادهای نظام یا رهبری به اینکه «نظر رهبری داده می‌شود و سپس کارشناسی می‌شود»، تصویری نادرست از ساختار تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی ارائه می‌کند. از سوی دیگر، باید به یک واقعیت مهم نیز توجه کرد. پس از روند طی‌شده در شعام پیرامون تفاهم اسلام‌آباد، رهبری انقلاب با عزل ذوالقدر، دبیر پیشین شورای عالی امنیت ملی، نارضایتی خود را از آن روند نشان دادند؛ ضمن آنکه ایشان صراحتاً اعلام کردند در خصوص تفاهم نامه و مذاکرات، علی‌الاصول نظر دیگری داشته‌اند. بنابراین اصرار امروز یک مقام دولتی بر اینکه «اتفاق رأی شعام کماکان پابرجاست» نمی‌تواند بدون پرسش و پاسخ باقی بماند.

تفاهمی که فقط برای فریب بود

تفاهم ۱۴ بندی اسلام‌آباد علاوه بر بندهای پرابهام برای ایران، روی کاغذ مجموعه‌ای از تعهدات برای آمریکا ایجاد می‌کرد تعهداتی که اساساً از سمت آمریکایی‌ها قرار نبود عملی شوند؛ از توقف دائمی عملیات نظامی از جمله در لبنان و خودداری از تهدید و استفاده از زور علیه ایران گرفته تا احترام به تمامیت ارضی، رفع محاصره دریایی، خروج نیروهای آمریکایی از پیرامون ایران، توقف تحریم‌ها، امکان صادرات نفت، آزادسازی دارایی‌های مسدودشده و حتی برنامه‌ای حداقل ۳۰۰ میلیارد دلاری برای بازسازی و توسعه اقتصادی ایران. اما این تفاهم از همان ابتدا فاقد ضمانت اجرای مؤثر بود. بسیاری از مفاد آن تفسیرپذیر بودند و آمریکا نیز در فاصله‌ای کوتاه نشان داد حتی تعهدات صریح خود را الزام‌آور نمی‌داند.

با آغاز دوباره جنگ و نبرد ۱۷ روزه علیه ایران، نخستین و اساسی‌ترین ستون تفاهم، یعنی توقف فوری و دائمی عملیات نظامی، عملاً زیر پا گذاشته شد. محاصره دریایی نیز ادامه یافت و تلاش برای تحمیل ترتیبات عمانی مورد نظر آمریکا در تنگه هرمز، با متن تفاهم درباره ترتیبات ایرانی سازگار

یکی از ترجیح‌بندهای مواضع محور قالیباف و پزشکیان در روزهای اخیر این بوده که تفاهم اسلام‌آباد نه سند فریب‌خورده ایران، بلکه سند افتخار و تأمین‌کننده منافع ملی بوده است؛ تا آنجا که مذاکره‌کنندگان ایرانی خواهان بازگشت آمریکا به این تفاهم شده‌اند. در همین چارچوب، محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، در پاسخ به خبرنگار انصاف‌نیوز درباره حل مسئله جنگ، تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و اتفاق رأی میان اعضای شعام گفته است: «در تلاش هستیم از طریق دیپلماسی و از طرق مختلف بتوانیم آمریکا را وادار کنیم که به تفاهم‌نامه برگردد و عهده‌ای که بسته را اجرا کند. امیدواریم بتوانیم آرامش را به عرصه اقتصادی کشور برگردانیم. تفاهم‌نامه پاکستان فعلاً پابرجاست، اتفاق رأی بین اعضای شعام کماکان پابرجاست.»

معاون اجرایی رئیس‌جمهور، به‌طور طبیعی مسئولیت‌های اجرایی دارد، اما سیاست خارجی و تعیین سیاست‌های کلی نظام، حوزه‌ای نیست که هر مقامی بتواند براساس برداشت شخصی خود درباره آن اعلام موضع کند. عجیب‌تر اینکه اظهارات قائم‌پناه صرفاً بیان یک نظر شخصی نیست؛ او از پابرجا بودن «اتفاق رأی» در شعام سخن می‌گوید و آن را در برابر واقعیت‌های سیاسی و مواضع عالی نظام قرار می‌دهد.

موضوع زمانی حساس‌تر می‌شود که این سخنان را کنار اظهارات به شدت شک‌برانگیز پیشین قائم‌پناه درباره جایگاه رهبری قرار دهیم. او پیش‌تر گفته بود: «اگر قرار باشد نظر رهبری را هر آنچه که می‌گوید اجرا کنیم که دیگر نهادی نباید وجود داشته باشد، دیگر مجلس و شعام معنا ندارد. رهبری نظر می‌دهد و نظارش کارشناسی می‌شود.»

این گزاره دیگر صرفاً یک اظهار نظر درباره تفاهم اسلام‌آباد نیست؛ مسئله، نوع نگاه به ساختار حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی است که ظن و شک شورش دوباره اصلاح‌طلبان بر علیه نظام و اصل ولایت فقیه را به ذهن متبادر می‌کند. در قانون

یادداشت

تمرینی برای پیمان ابراهیم؟

علی نقدی
روزنامه‌نگار

پیمان ابراهیم و عادی‌سازی روابط مسلمانان و اسرائیل، ضمیمه فرهنگی نیز دارد و ساله‌است دستگاه رسانه‌ای و فرهنگی دشمن در این زمینه کار می‌کند. با این حال کسی انتظار ندارد در شرایط کنونی و آن هم در ایران، در یک نمایش تئاتر اسرائیل سفیدشویی شود. تئاتر، پیش از آن که صرفاً نمایشی از تکنیک‌های بازیگری باشد، باید بازتاب دردهای معاصر یک ملت باشد. اما گاهی برخی آثار، درست در میانه میدان، تیشه به ریشه حقیقت می‌زنند. نمایش «آتش سوزی‌ها» از آن دست کارهایی است که با نقاب هنری، به شکلی کاملاً جهت‌دار و مشکوک، مشغول شست‌وشوی حافظه تاریخی مخاطب است.

در حالی که سراسر غرب آسیا، از غزه تا ضاحیه لبنان، در آتش کینه‌توزی رژیم منحوس صهیونیستی و حامیان آمریکایی‌اش می‌سوزد، این نمایش با ظرافتی بدخواهانه، اصلی‌ترین متهم این فجایع را از قاب تصویر حذف کرده است. نویسنده با مهندسی روایتی که ارائه می‌دهد، چنان تصویر کزیه و سیاهی از ساکنان این منطقه ترسیم می‌کند که گویی تمام بدبختی‌ها، حاصل خوی و حشی، سنت‌های عقب‌مانده و ذات خراب خود این مردم است. وقتی هنرمند، علت رنج یک ملت را در «فرهنگ و طینت مردم» جست‌وجو کند و نه در «اشغالگری دشمن بیرونی»، عملاً به پیاده‌نظام فرهنگی استکبار تبدیل شده است. این رویکرد، فراتر از یک انتخاب هنری، در واقع پیش‌زمینه‌سازی برای پروژه‌های سیاسی خائنانه‌ای همچون «پیمان ابراهیم» است؛ پروژه‌ای که دشمن با تمام توان دنبال می‌کند تا اسرائیل را به عنوان یک همسایه دوست در منطقه تثبیت کند و همزمان، ملت‌های مقاوم را تحقیر نماید. وقتی به تماشاگر القا شود که این مردم لیاقت سعادت ندارند و غرق در جنون و جهالت‌اند، مقاومت در برابر متجاوز معنایش را از دست می‌دهد. این تئاتر می‌خواهد به ما بگوید: «اگر خاورمیانه می‌سوزد، تقصیر خودتان است، نه اسرائیل!» روی صحنه بردن چنین نمایشی در قلب تهران، آن هم در شرایطی که خون پاک مظلومان منطقه توسط صهیونیست‌ها بر زمین ریخته می‌شود، یک خیانت فرهنگی است. هنری که دست دشمن را پنهان کند و انگشت اتهام را به سوی خودی‌ها بگیرد، چیزی جز نفوذ نرم دشمن در فرهنگ ما نیست.

گزارش آماری «نوبنیاد» از بار مالی تئاترهای پرخرج در ایران و آمریکا

کاتولیک‌تر از پاپ

در سال ۱۴۰۵، قیمت بلیت جایگاه شاه‌نشین تئاتر آرش به ۴ میلیون و ۹۸۰ هزار تومان رسید. این رقم معادل ۳۰ درصد حداقل دستمزد ماهانه یک کارگر ایرانی است. در مقابل، میانگین قیمت بلیت برادوی در نیویورک در سال ۲۰۲۶ حدود ۱۵۰ دلار است که تنها ۱۲.۹ درصد حقوق ماهانه یک کارگر آمریکایی را شامل می‌شود. بررسی داده‌های



مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

تحلیل حاضر با مقایسه کف حقوقی دو کشور و هزینه‌های زندگی یک خانواده چهارنفره انجام شده است و نشان می‌دهد ورود به مناسبات کاپیتالیستی برای بازتولید امر فرهنگی، راهکاری نادرست و بسیار زیان‌بار خواهد بود که القصه، اثرش را بر ساخت فرهنگی ایران اسلامی نیز می‌گذارد. بر اساس مصوبه شورای عالی کار، حداقل دستمزد ماهانه کارگران در ایران برای سال ۱۴۰۵، ۱۶ میلیون و ۶۲۵ هزار و ۵۵۰ تومان تعیین شده است. در همین حال، قیمت بلیت جایگاه شاه‌نشین تئاتر آرش در پیش‌فروش به مرز ۴ میلیون و ۹۸۰ هزار تومان رسیده است.

این یعنی یک کارگر با حداقل دستمزد، باید حدود ۳۰ درصد از کل درآمد ماهانه خود را صرف خرید یک بلیت کند. برای مقایسه، حداقل دستمزد فدرال در ایالات متحده آمریکا ۷.۲۵ دلار در ساعت است که معادل درآمد ماهانه‌ای نزدیک به ۱۱۶۰ دلار برای یک کارگر تمام‌وقت محاسبه می‌شود. میانگین قیمت بلیت نمایش‌های برادوی در سال ۲۰۲۶ حدود ۱۵۰ دلار گزارش شده است. بنابراین، یک کارگر آمریکایی با حداقل دستمزد، تنها ۱۲.۹ درصد از حقوق ماهانه خود را برای تماشای یک نمایش برادوی هزینه می‌کند. این رقم کمتر از نیمی از سهم مشابه در ایران است. بررسی روند سال‌های قبل نیز این شکاف را تقویت می‌کند. در سال ۱۴۰۲، حداقل دستمزد ماهانه کارگران ایرانی حدود ۸ میلیون و ۷۶۰ هزار تومان بود، در حالی که قیمت بلیت‌های تئاترهای پرخرج آن سال به ندرت از ۲ میلیون تومان فراتر می‌رفت. با این حال، نرخ تورم بالا در ایران باعث شده است که افزایش قیمت بلیت‌ها از افزایش حقوق پیشی بگیرد.

در سال ۱۴۰۳، حداقل دستمزد به ۱۱ میلیون تومان رسید، اما قیمت بلیت تئاترهای پرخرج به ۳ میلیون تومان نزدیک شد. اگر محاسبه را به سطح یک خانواده چهارنفره تعمیم دهیم، تصویر روشن‌تر می‌شود.

را روایت می‌کند که پس از شیوع یک بیماری همه‌گیر، همراه سگش در جهانی ویران‌شده زندگی می‌کند و برای یافتن نشانه‌ای از حیات و آذوقه به پروازهای روزانه روی می‌آورد.

منتقدان، فیلم را به دلیل ریتم کند، شخصیت‌پردازی ضعیف و داستانی تکراری مورد انتقاد قرار داده‌اند. «ستاره‌های سگی» میان درام شخصیت‌محور، داستان بقا و اکشن پسا‌آخرالزمانی در نوسان است، اما به گفته منتقدان نمی‌تواند میان این عناصر تعادل ایجاد کند.

در مقابل، فیلم‌برداری اربک مسراشمیت از معدود نقاط قوت اثر عنوان شده است؛ به‌ویژه تصویری که تضاد میان طبیعت گسترده و جهان ویران‌شده را به نمایش می‌گذارند. بازی جیکوب الوردی نیز یکنواخت توصیف شده است.



فیلم «ستاره‌های سگی» تازه‌ترین ساخته ریدلی اسکات، در نخستین واکنش‌های منتقدان با استقبال چندانی مواجه نشده و در حال حاضر امتیاز ۳۹ را در راتن تومیتوز ثبت کرده است.

این فیلم پسا‌آخرالزمانی با بودجه‌ای بیش از ۱۰۰ میلیون دلار، داستان خلبنی به نام هیگ با بازی جیکوب الوردی

یادداشت

مداحی، کنسرت و حرمت مقدسات!

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

پدیده‌ای که این روزها در اینستاگرام در حال گسترش است، زنگ خطری جدی برای متولیان فرهنگ و صدالبته جامعه مذهبی است. انتشار ویدئوهایی از دخترانی با پوشش‌های زننده که مداحی‌های وایرال را دستمایه شوخی، دابسمش و تمسخر قرار می‌دهند، اگرچه در ظاهر محصول رفتار چند بلاگر است، اما نمی‌توان از کنار زمینه‌هایی که چنین رفتارهایی را ممکن کرده، به سادگی عبور کرد.

اول از همه، دستگاه‌های متولی فرهنگ باید کلاهشان را بالاتر بگذارند! اینکه چنین اتفاقاتی زیرگوش آنها رخ می‌دهد و واکنش بازدارنده و مؤثری دیده نمی‌شود، قابل دفاع نیست. اگر حرمت باورهای میلیون‌ها شیعه قرار است حفظ شود، نمی‌توان تنها پس از وایرال شدن یک ویدئو به فکر واکنش افتاد. پیشگیری و برخورد به موقع، بسیار مهم‌تر از تکذیب و محکومیت‌های پس از وقوع است.

اما تمام تقصیر را هم نباید متوجه فضای مجازی دانست. بخشی از این ماجرا، محصول عملکرد برخی مداحانی است که متأسفانه میان مداحی و کنسرت سرگردانند. وقتی مداحی با موسیقی‌های پاپ، ریتم‌های کنسرتی و گاه اشعاری که با شأن اهل بیت (ع) تناسب ندارد همراه می‌شود، طبیعی است که مرز میان یک آیین مقدس مذهبی و یک محصول مبتذل کم‌رنگ شود. حرمت اما مزاده را متولی آن باید نگه دارد. مداحی که تریبون اهل بیت را در اختیار می‌گیرد، پیش از هر چیز باید از دانش کافی درباره شرعیات، معارف و شأن این جایگاه برخوردار باشد و بداند چه می‌خواند و چگونه می‌خواند.

در مرحله بعد، باید به بلاگرهای مذهبی‌نما نیز اشاره کرد؛ کسانی که چنین مداحی‌هایی را صرفاً خوراک تولید محتوا می‌کنند و با بازنشر بی‌ضابطه آنها و تولید محتوای سخیف عملاً زمینه تمسخر این مفاهیم را فراهم می‌آورند. اگر این روند متوقف نشود، آینده‌ای نگران‌کننده در پیش است. باید برای مداحی‌ها نظارت حرفه‌ای و جدی وجود داشته باشد و هر فردی پیش از گرفتن تریبون، صلاحیت علمی و اخلاقی خود را اثبات کند. از سوی دیگر، هرکس که آگاهانه به باورهای دینی مردم توهین یا آنها را مسخره می‌کند، باید با برخورد قانونی و بازدارنده‌ای مواجه شود؛ آن‌قدر جدی که دیگر کسی تصور نکند می‌تواند حرمت اعتقادات مردم را به بازی بگیرد.

افول اسکات